

ویژگی‌های معرفتی معماری اسلامی در تطبیق با پدیدارشناسی سکناگزینی

چکیده

از منظر پدیدارشناسی، سکونت فرایندی است که آدمی در جریان آن «مکان بودن» را تبدیل به خانه می‌کند و با خدا، خود، آسمان و زمین به برقراری هماهنگی می‌پردازد. رویکرد پدیدارشناسانه به پدیده سکونت مبتنی بر تجربه حضور یا بودن انجام می‌شود. نگاه این رویکرد به سکونت و خانه در جهت تبیین رابطه آگاهانه انسان و جهان بوده است. در اسلام اصل شناخت، رسیدن به کمال مطلوب الهی است که در نهاد انسان فطرتاً وجود دارد. معرفت اسلامی بازتاب وحدت ذاتی خداوند و سکناگزیدن انسان بر روی زمین در ملک خداوند است که بازتابی از قدر مطلق بودن اوست. مالکیت در سکناگزیدن، در هماهنگی کامل با معرفت‌شناسی مطلق و به دور از شکاکیت در وجود خدا در اسلام است. بدین لحاظ بودن و جای گرفتن در مکان که از آن به بیت و خانه تعبیر می‌شود، برخلاف سکناگزیدن در پدیدارشناسی، همراه با تسلیم و پذیرش نیست و مالک‌شدن بر خانه در معرفت‌شناسی سکناگزینی اسلامی وجود دارد. این تحقیق با استفاده از روش استدلالی-قیاسی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شد بررسی مقایسه‌ای نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مولفه‌های مرتبط با سکناگزینی در فلسفه پدیدارشناسی، حول دازاین، مقام تسلیم و رهاکردن مکان، افزودن چیزی مصنوعی به قامت جهان زندگی، هماهنگ‌شدن با طبیعت می‌چرخد و در معرفت‌شناسی اسلامی، سکناگزینی بر شاخصه‌هایی چون وحی الهی، مالکیت مطلق بر مکان، پرکردن ملک خدا بر روی زمین و درمان‌ماندن از گزند طبیعت تکیه دارد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های معرفتی پدیدارشناسی و معماری اسلامی در باب سکناگزینی و سکونت.
۲. بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های معرفت‌شناسی سکناگزینی و سکونت در دو دیدگاه پدیدارشناسی و معماری اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. مقوله‌های معرفتی پدیدارشناسی و معماری اسلامی در باب سکونت دربردارنده چه مواردی است؟
 ۲. شباهت‌ها و تفاوت‌های معرفت‌شناسی سکناگزینی و سکونت در دو دیدگاه معماری اسلامی و پدیدارشناسی چیست؟
- کلیدواژه‌ها:** سکنا گزینی، معرفت‌شناسی، پدیدارشناسی، معماری اسلامی.

عمل سکونت چه در یک محل و چه در یک جامعه، براساس علاقه مشترک، طبقه اجتماعی، هویت قومی یا سبک زندگی دارای ابعاد مادی و فرهنگی است که دستیابی به کالاهای مادی با جذب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به موازات آن صورت می‌گیرد. هر مکان یا گروهی ابزار تعلق خود را ابداع می‌کند و فرایندهای استقرار در یک مکان یا گروه اجتماعی (یا هر دو) پیچیدگی‌های فرهنگی ایجاد می‌کند (Miles, Kirkham, ۲۰۰۳). کارکرد اصلی هنر معماری؛ به عقیده شولتز (۱۳۹۴) این است که مکان را حاضر کند. به دیدار آمدن مکان با ساختن تحقق می‌یابد. به نظر او هویت مکان موجب هویت انسان می‌شود. بدین صورت اگر انسان در مکانی قرار گیرد که هیچ نوع سنخیتی با وجودش نداشته باشد، هیچ خاطره‌ای در ذهن او تداعی نکند و در نهایت حس تعلق به آنجا نداشته باشد، از درون تهی می‌شود و هویت خود را نیز از دست می‌دهد؛ بنابراین از دیدگاه پدیدارشناسانه، مکان چیزی بیش از یک محل انتزاعی است. مکان کلیتی است که از اشیاء و چیزهای واقعی ساخته شده و دارای مصالح، جنس، شکل و رنگ است. مجموعه این عناصر با هم کاراکتر محیطی را تعریف می‌کنند. برای مداخله انسان در محیط، انسان باید کاراکتر اصلی مکان را بشناسد و محیط‌هایی ایجاد کند که در جهت هماهنگی با آن کاراکتر باشد.

یکی از بارزترین وجوه تفاوت اندیشه مدرن و تفکر سنتی (مانند تفکر یونان باستان) اختلاف در تلقی از مکان است. یونانیان باستان هیچگاه مکان را چونان امری کمی و انتزاعی و قابل اندازه‌گیری و در نتیجه وهمی در نظر نمی‌گرفتند. تفاوت میان آتن و معبد دلفی در مکان‌های آن‌ها است. قابلیت اندازه‌گیری فاصله بین آن‌ها امری ثانوی و فرعی است. بی‌جهت نیست که در یونان حتی خدایان نیز دارای مکان بودند. مسئله صرفاً نداشتن تصویری روشن از خدایی متعال نیست، بلکه بیشتر بدین جهت است که آنان فقط به چیزی می‌توانستند بیندیشند که در مکان باشد. البته این به معنای آن نیست که آنان نیز همانند کانت مکان را شرط اندیشیدن به چیزها می‌دانسته‌اند (Benson, ۲۰۰۲: ۲۶-۲۵). از طرف دیگر، چون دکارت در مقام مؤسس فلسفه جدید، انسان را شیء اندیشنده و جهان را شیء ممتد تصور کرد، میان انسان و جهان جدایی و افتراق کلی ایجاد شد؛ انسان عبارت شد از من اندیشنده و اندیشیدن معنای محاسبه کردن یافت و عالم نیز امر ممتد قابل اندازه‌گیری دانسته شد؛ لذا مکان نیز امری صرفاً کمی به حساب آمد. همه تلاش‌های دیگر غلبه بر این اندیشه و نتایج آن و طرح تذکر به ذات و حقیقت آدمی و نسبت حقیقی او با حقیقت هستی است؛ لذا وی باید نشان دهد که مکان آن‌گونه که دکارت می‌اندیشید امری کمی نیست و سپس روشن کند که آدمی شیء یا جوهر نیست. در نهایت، این تحول راهگشای امری خواهد بود که می‌توان از آن به «لزوم حضور خداوند در جهان» تعبیر کرد. از مسئله مکان داشتن ایزدان می‌توان به اساس نقد هایدگر بر سنت تفکر غربی و تفکر دکارتی (که در واقع بنیاد مدرنیته است) پی برد. وقتی مفهوم مکان به صورت امری کمی در آمد دیگر حتی خدایان یونان نیز نمی‌توانستند جایی داشته باشند و به تبع آن، انسان‌ها نیز بی‌ریشه شدند. از نظر هایدگر «اینجا بودن قداست مکان را آشکار می‌کند و مکان آن چیزی است که بشر را مجاز می‌دارد که انسان باشد» (هایدگر، ۱۳۶۷: ۷۶). با تفکر دکارتی، سکونت انسان‌ها در جوار ساحت قدس ناممکن می‌شود. از نتایج مهم تفکر دکارتی این است که همه چیز به عنوان ماده تصرف آدمی در نظر گرفته شود. براین اساس؛ همه تمایزها محو می‌شود. دیگر زمین صرف منبع انرژی است و برای استخراج آن به ابزار تکنیکی بس قوی نیازمندیم؛ لذا دیگر مکان مقدس و غیر مقدس بی‌معناست. بی‌شک مسائلی چون تجارت جهانی، اضمحلال خرده‌فرهنگ‌ها، سنت و زبان‌های بومی، همگی در جهت یکسان‌سازی صورت می‌گیرد و نتیجه نگرشی به مکان

است که هایدگر امیدوار است با احیای معنای آن همچون ساختاری اساسی که آدمی را به جهان پیوند می‌زند، بتواند بار دیگر ما را به تأمل در باب هستی و سکنا گزیدن در جوار آن فراخواند (صافیان و مؤمنی، ۱۳۸۹: ۵۷).

رویکرد پدیدارشناسی به حضور انسان در جهان و نحوه این حضور تمرکز دارد و شرط تبدیل فضا به مکان را حضور انسان می‌داند. بودن فرد در مکان و میزان درک و ارتباط وی با این پدیده، به وجود آورنده حس مکان و ماندگاری مکان در ناخودآگاه فرد می‌شود، این نکته اساسی‌ترین ویژگی معماری سنتی ایران بوده و از همین روست که بناهای قدیمی همچنان مخاطبین خود را حفظ کرده و حضور در این بناها برای افراد خوشایند است. استفاده از بهترین و مناسب‌ترین شیوه‌های ساخت، بهره‌گیری از بهترین مصالح، درک و شناخت درست از محیط اطراف و به کارگیری این شناخت در قالب بهترین دخالت ممکن سبب به وجود آمدن بناهایی بی‌نظیر و ماندگار شده است. معماران سنتی علاوه بر مهم شمردن بناها و ارج دادن به تلاش خود، به درکی عمیق و صحیح از جایگاه انسان در زمین به عنوان اشرف مخلوقات پی برده و برای حضور وی در مکان‌ها به ساخت سکونتگاه و نه اقامتگاه می‌پرداختند. خانه نخستین جایی است که انسان در آن، جا می‌گیرد و به آرامش می‌رسد، فرد در خانه سکونت می‌کند. معمار ایرانی با دریافت وجوه مختلف حضور بشر پس از توجه به کالبد بنا که جسم عینی انسان را در بر می‌گیرد، به روح بنا نیز نظر افکند زیرا می‌دانست پس از آرامش جسم باید روح نیز در آرامش بوده تا مکان برایش ماندگار و قابل سکنی گزیدن باشد، از این رو با استفاده از شیوه‌های گوناگون هنر به کالبد بناها روح دمید تا جلوه‌های پایدار عالم خیال را به نمایش بگذارد و روح انسان را نیز تسخیر کند بدین صورت سکونت در والاترین درجه به حضور درآمد و افسوس که در گذشته معماری ایران دفن شد (سروش و حاتمی، ۱۳۹۸: ۵۲).

انسان سنتی از نظر اسلام دوسویه است؛ یک‌سوی او به سمت خدا و روح الهی و سوی دیگر او به سمت زمین و نیازهای نفسانی حرکت می‌کند. مسکن زمانی که پاسخگوی این دو زمینه انسانی باشد، به آن مسکن سنتی اطلاق می‌گردد. به تعبیر دیگر مسکن سنتی همانند انسان سنتی دارای یک صورت ظاهری و یک سیرت باطنی است که به صورت رمز و تمثیل بیان می‌شود. صورت مسکن سنتی در فضاهای عملکردی و هندسه آشکار خلاصه شده است، لیکن سیرت باطنی آن ناشی از یک حقیقت برتر است که در فطرت انسانی وجود دارد. فطریاتی در زمینه خواست‌های انسانی که در مسکن سنتی پنهان گشته و با وجود درونی انسان نزدیک شده است. این خانه با فطرت وجودی انسان و با انسانیت انسان هماهنگی دارد و احساس آرامش، آسایش و امنیت به هنگام قرارگیری در این خانه تأمین می‌شود؛ لذا خواست‌های فطری انسان از جمله عوامل اساسی تکوین سیرت مسکن سنتی و شکل‌گیری اصول و مبانی ساختاری و نهانی آن است. اینکه سکونت و خانه مکانی معنی‌دار است و امروز با تقلیل کیفیت‌ها، معنای آن تا حد زیادی کم‌رنگ شده و خانه گاهی تا حد یک سرپناه تقلیل یافته، حقیقتی است که بین دو دیدگاه پدیدارشناسی و سنت‌گرایی معنوی مشترک است. سکونت به شیوه فعلی، نه در سنت دینی و نه در رویکرد پدیدارشناسی، از کیفیت لازم برخوردار نیست، «زیرا هستی در جهان علاوه بر «کجا» شامل «چگونه» نیز می‌گردد» (نوربرگ شولتز، ۱۴۰۰: ۲۰). با توجه به این مقدمات، این تحقیق به مبانی ویژگی‌های معرفت‌شناسی معماری اسلامی در تطبیق با پدیدارشناسی سکنا‌گزینی می‌پردازد.

روش این تحقیق کیفی است و از طریق استدلال قیاسی و استقرائی و به کمک تفکر و تعقل و منطق قیاسی به تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از مبانی فکری پدیدارشناسی و منابع دست‌اول تفکر اسلامی (قرآن، حدیث و روایات) است. در تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای علاوه بر اینکه اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، با یکدیگر مقایسه می‌شوند؛ لذا بعد از تنظیم و مرور نظام‌مند مبانی معرفت‌شناسی فلسفه پدیدارشناسی

و تفکر دینی اسلامی در باب سکناگزینی، به بررسی مقایسه‌ای مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراج شده در قالب مدل‌ها و جداول تخلیصی پرداختیم.

نتیجه‌گیری

ابتدایی‌ترین شکل وجود در جهان، سکونت است که پدیده‌ای رایج در بین همه انسان‌هاست. باتوجه به آنچه در کلام هایدگر به کار می‌رود، خود سکونت دارای دو جنبه عام و خاص است. جنبه کلی سکونت به معنای «بودن»، با حضور انسان در محیط شکل می‌گیرد. حضور، خود تعامل با روابطی است که انسان با اشیاء و انسان در جهان حیات دارد. این تعامل، محیط را به مکانی آشنا ارتقا می‌دهد و حضور در مکان را ایجاد می‌کند. انسان با ساختن در مکان به سکونت (جنبه ویژه سکونت) دست می‌یابد که به معنای افزودن چیزی مصنوعی به قامت جهان زندگی است. ساختمان اگر با مراقبت از مکان و احترام به اراده مکان همراه باشد، یک مسکن واقعی به همراه دارد. مسکن حقیقی، دیدگاه هستی‌شناسانه‌ای است که به پدیده سکونت منتهی می‌شود، زمانی است که انسان عاشق سکونت است و از آن لذت می‌برد. بشر امروز در بحران بی‌خانمانی است؛ یعنی آن را اشغال می‌کند بدون اینکه در مکان مستقر شود. بی‌خانمانی به معنای کمبود مسکن نیست، بلکه یک جنبه کیفی است که ناشی از غنی بودن دنیاست. عقیده هایدگر این است که اگر واقعاً می‌خواهیم موقعیت خود را درک کنیم، یا به عبارت دیگر، اگر واقعاً می‌خواهیم واقعیت را درک کنیم، باید سعی کنیم از تحمیل خود به آن اجتناب کنیم و در عوض تسلیم شویم. سکونت واقعی تنها زمانی حاصل می‌شود که ما مکان را به حال خود رها کنیم. خوانش پدیدارشناسانه سکونت مانند الگویی است که هستی را به حضور و سپس به سکونت، محیط را به مکان و سپس به مکان سکونت و بودن در جهان را به بودن در مکان و بودن در محل استقرار انتقال می‌دهد.

خانه مسکونی بخشی از نیازهای اساسی زندگی انسان است. در اسلام تعیین مکان به عنوان مسکن اهمیت خود را دارد. خانه مسکونی نه تنها به عنوان پناهگاهی برای خود و دارایی‌اش تلقی می‌شود، بلکه در تأمین فضایی برای حفظ حریم خصوصی نیز حائز اهمیت است. معرفت اسلامی بازتاب وحدت ذاتی خداوند و سکنا گزیدن انسان بر روی زمین در ملک خداوند است که بازتابی از قدرمطلق بودن اوست. مالکیت در سکنا گزیدن، در هماهنگی کامل با معرفت‌شناسی مطلق و به دور از شکاکیت در وجود خدا در اسلام است. بودن و جاگیرشدن در مکان که به عنوان بیت و خانه از آن یاد می‌شود، فرایندی همراه با شدن نیست و برخلاف سکنا گزیدن در پدیدارشناسی، همراه با تسلیم و پذیرش نیست و مالک‌شدن بر خانه در معرفت‌شناسی سکونت اسلامی وجود دارد. در جدول ۱ به اختصار مقایسه‌ای بین ویژگی‌های معرفت‌شناسی در دو دیدگاه پدیدارشناسی و حکمت اسلامی انجام شده است.

جدول (۱): مقایسه مؤلفه‌ها و ویژگی‌های معرفت‌شناسی در فلسفه پدیدارشناسی و تفکر اسلامی (منبع: نگارندگان)

سکنا گزیدن	
------------	--

مشخصات و ویژگی‌ها	رویکرد پدیدارشناسی	رویکرد حکمت اسلامی
منبع و سرچشمه سکونت	دازاین	وحی الهی
موضع در قبال سکونتگاه	مقام تسلیم و رهاکردن مکان	مالکیت مطلق بر مکان
ساختن سکونتگاه	افزودن چیزی مصنوعی به قامت جهان زندگی	پر کردن ملک خدا بر روی زمین
مزیت سکناگزیدن	هماهنگ شدن با طبیعت	درمان ماندن از گزند طبیعت

فهرست منابع و مآخذ:

- ابوالقاسمی، لطیف. (۱۳۸۳). هنر و معماری اسلامی ایران به کوشش علی عمرانی‌پور. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- احمدی، بابک. (۱۴۰۰). هایدگر و تاریخ هستی. تهران: مرکز.
- اردلان، نادر؛ بختیار، لاله. (۱۳۹۶). حس وحدت. ترجمه و نداد جلیلی. تهران: علم معمار.
- اکرمی، غلامرضا. (۱۳۸۳). "سنت، هنر، معماری". صفه، شماره ۳۸، ۱۴۳-۱۲۷.
- بهشتی، سید محمد. (۱۳۸۶). "خانه و فرهنگ ایرانی". آبادی، شماره ۵، ۱۲۳-۱۲۰.
- بورکهارت، تیتوس. (۱۳۹۹). هنر مقدس. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان. تهران: فرهنگستان هنر.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۶). آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: غلامحسین معماریان.
- رابرت ای، وودز. (۱۳۸۲). "هایدگر، تفکر، محیط آدمی". ترجمه محمدرضا جوزی. خیال، شماره ۷، ۵۵-۵۰.
- سروش، محمدمهدی و حاتمی، سنبل. (۱۳۹۸). "تحلیلی بر چگونگی سکناگزینی دانشجویان در مکان خوابگاهی با رویکرد پدیدارشناسانه". هفت حصار، شماره ۲۹، ۶۴-۵۱.
- ریخته‌گران، محمدرضا. (۱۳۸۲). مقالاتی درباره پدیدارشناسی، هنر، مدرنیته. تهران: نشر ساقی.
- شار، آدم. (۱۳۸۹). هایدگر برای معماران (تأملی بر سنت معماری مدرن). ترجمه روزبه احمدی‌نژاد. تهران: طرحان.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۹). تاریخ تمدن. جلد اول، دفتر تنظیم مجموعه آثار دکتر علی شریعتی.
- مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه‌ای توکیو - ژاپن (۱۳۸۶). شهرنشینی در اسلام. ترجمه مهدی افشار. جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- صافیان، محمدجواد و مؤمنی، ناصر. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه میان سکنا گزیدن و فراخواندن از نظر هایدگر"، پژوهش‌های هستی‌شناختی، دوره ۶، شماره ۲، ۶۸-۵۵.
- صافیان، محمدجواد و همکاران. (۱۳۹۰). "بررسی پدیدارشناختی - هرمنوتیک نسبت مکان باهنر معماری. پژوهش‌های فلسفی، دوره ۵، شماره ۸، ۱۲۹-۹۳.
- طاهری، جعفر. (۱۳۹۲). "بازاندیشی مفهوم سکونت در معماری". مطالعات معماری ایرانی، دوره ۲، شماره ۴، ۲۲-۵.
- طه‌پوری، نیره. (۱۳۹۶). "آموختن از هایدگر: پدیدارشناسی در معماری تأثیر فلسفه هایدگر در نظریه‌پردازی معماری: هویت مکان در نظریات کریستیان شولتز و کریستوفر الکساندر. کیمیای هنر، دوره ۶، شماره ۲۵، ۹۲-۵۳.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). فطرت. تهران: صدرا.

- نصر، سید حسین. (۱۳۹۴). هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: حکمت.
- نصر، سید حسین. (۱۳۷۰). سنت اسلامی در معماری ایرانی در جاودانگی و هنر. ترجمه سید محمد آوینی. تهران: برگ.
- شایگان، داریوش. (۱۳۷۲). "در جست‌وجوی فضاهای گمشده". نامه فرهنگ، شماره ۹، ۱۴۸-۱۴۰.
- شولتز، کریستیان. (۱۳۹۴). روح مکان: به‌سوی پدیدارشناسی معماری. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران: رخداده نو.
- شولتز، کریستیان. (۱۴۰۰). مفهوم سکونت به‌سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود یاراحمدی. تهران: آگه.
- نقی‌زاده، محمد و امین‌زاده، بهناز. (۱۳۷۹). "رابطه معنا و صورت در تبیین مبانی هنر". هنرهای زیبا، شماره ۸، ۱۶-۳۲.
- نقی‌زاده، محمد و امین‌زاده، بهناز. (۱۳۸۰). "فضای کیفی؛ معماری و شهر". نامه فرهنگ، شماره ۴۰، ۱۶۳-۱۴۶.
- نمازی اصفهانی، محمود. (۱۳۹۷). "بررسی پدیدارشناسی به‌مثابه مبنای معرفت‌شناسی اگزیستانسیالیسم". معرفت فلسفی، شماره دوم، دوره ۶۲، ۱۱۸-۱۰۳.
- نیچه، فردریش و همکاران. (۱۳۷۷). هرمنوتیک مدرن؛ گزینه جستارها. ترجمه بابک احمدی، مهران مهاجر، محمد نبوی. تهران: نشر مرکز.
- نیچه، فردریش و همکاران. (۱۳۷۷). هرمنوتیک مدرن؛ گزینه جستارها. ترجمه بابک احمدی و همکاران. تهران: مرکز مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۳). "حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی ایران". هنرهای زیبا، شماره ۱۹، ۶۶-۵۷.
- وثیق، بهزاد و همکاران. (۱۳۸۹). "مفهوم سکونت در آیات و روایات اسلامی". مسکن و محیط روستا. شماره ۱۲۹، ۵۰-۶۵.
- وثیق، بهزاد و همکاران. (۱۳۸۸). "مکان و مسکن از منظر اسلام"، پژوهش‌های میان رشته - ای قرآنی. شماره ۳، ۹۳-۱۰۱.
- هایدگر، مارتین. (۱۴۰۰). شعر زبان و اندیشه رهایی. ترجمه عباس منوچهری. تهران: مولی.
- هایدگر، مارتین. (۱۴۰۱). هستی و زمان. ترجمه سیاوش جمادی. تهران: ققنوس.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۶۷). فلسفه چیست؟ ترجمه مجید مددی. تهران: تندر.
- Benson, C. (۲۰۰۲). The Cultural Psychology of Self: Place, Morality and Art in Human Worlds: Taylor & Francis.
- Clock, P. & Jones, O. (۲۰۰۰). Dwelling place and Landscape: an Orchard in somerset, Bristol, University of Bristol
- Dekkers, W. (۲۰۱۱). Dwelling, house and home: towards a home-led perspective on dementia care. Medicine, Health Care and Philosophy, ۱۴(۳), ۲۹۱-۳۰۰.
- Miles, M., Nicola, K. (۲۰۰۳), Cultures and Settlements, Advances in Art and Urban Futures Volume ۳.